



کتاب الفقه



سلام



لوازِمِ «ظهورِ» آخرین حجّت:

جلسه چهارم - ۱۸ اسفند ماه ۱۳۹۹

« **تاریخ** » بشر،

از منظر اسلام،

به « حاکمیتِ « **قسط** و **عدل** » در جهان

« **باید** » ختم شود:

زیرا « خاتم الأنبياء » صلى الله عليه و آله فرمودند:

يَمَلَأُ اللَّهُ بِهٖ الْأَرْضَ

« قِسْطًا وَعَدْلًا »

كَمَا (بَعْدَ مَا) مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا

(کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۳۷۷)

و به استناد این « **وَعْدَةُ الهی** » در قرآن:

{ **وَعَدَ** اللَّهُ الَّذِينَ ... **۱- لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ**، **۲- وَ لَيُمْكِّنَنَّ لَهُمْ**، **۳- وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ**، ... (نور/۵۵) }

و به استناد این « **حکمِ قطعی** » در کتاب زبور:

{ **لَقَدْ كَتَبْنَا** فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ **أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ** (انبیاء/۱۰۵) }

و به استناد « **آیه فتح** » در آیه ۲۹ سوره سجده:

ظهور^۷ امام آخر و پیروزی حق و حاکمیت صالحان و عدالت جهانی، **قطعی** است.

اما متأسفانه «اکثر» مردم
در «شک و شبیهه و بازی و غفلت» اند:

بَلْ هُمْ فِي شُكٍّ يَلْعَبُونَ

(دخان/۹)





سؤال:



عامل « فراگیر شدن ظلم » چیست؟

از منظر قرآن « **أَكْثَرُ النَّاسِ** »:

« **لَا يَشْكُرُونَ، لَا يَعْلَمُونَ، لَا يُؤْمِنُونَ، لَا يَعْقِلُونَ، وَ:**

فَاسِقُونَ، مُشْرِكِينَ، يَجْهَلُونَ، كَاذِبُونَ، غَافِلُونَ، كَافِرُونَ » هستند،

اما « اکثر » مردم جهان (با اینکه ظلم می کنند)،

« **ظَالِم** » نیستند.

با افزایشِ « **فاصله طبقاتی** » در جهان،

« **درک** » مردم از « **ظالمین** » بیشتر،

و « **مدعیان مردم سالاری، رسواتر** »،

و از « **غفلت** » مردم « **کاسته** » می شود.

لذا با اینکه « **مسئولینِ نالایق** » در جهان را

« **خود** » مردم « **انتخاب** » می کنند،

اما میزانِ « **محبوبیت** » آنها،

هر روز « **کمتر** » می شود:

پس آن روز که «**ابوبکر**» رای آورد،
«**علی**» صلوات الله علیه «**شکست**» نخورد،

بلکه «**مردم**»،

خودشان را به «**تباهی**» کشاندند.

و آن روز که «**عمر**» انتخاب شد،

«**علی**» صلوات الله علیه «**کوچک**» نشد،

بلکه «**مردم**»،

«**اشتباه**» خود را «**تکرار**» کردند.

و آن روز که «عثمان» را

«شورای شش نفره»، انتخاب کرد،

«علی» صلوات الله علیه «شکست» نخورد،

بلکه «خواصِ بی بصیرت»،

به مردم «خیانت» کردند.

و آن روز هم که «**مردم**»

به «**اشتباه**» خود پی بردند و با اصرارِ آنها،

«**علی**» صلوات الله علیه به خلافت رسید،

او «بدون احساس پیروزی»، خود را «**مسئول**» دید،

و آن روز فقط خودِ مردم «**پیروز**» شدند.

و آنروز هم که شمشیرِ « اَشْقَى الاَشْقَاءِ »،

فرقِ « **علی** » صلوات الله علیه را شکافت،

باز هم او « شکست » نخورد،

زیرا فرمود: « فُزْتُ و رَبُّ الْكَعْبَةِ » (پیروزی در دستگار است).

بلکه آن روز هم باز « **مردم** »، « شکست » خوردند.

آنروز هم که در کربلا،

سر مبارک « **سید الشهداء** » صلوات الله علیه،

و ۷۲ تن از یارانش بر سر « نیزه » رفت،

و « **زینب** کبری » سلام الله علیها و اسرا (به نام خارج شدگان از دین!) (

در شام گردانده شدند و مردم به دور آنان هلهله کردند،

²¹ باز هم این « **مردم** » بودند که « شکست » خوردند.

و شاید در طول تاریخ و در تمام دفعاتی که

« **مردم** » به خاطرِ « **اشتباه** » خودشان،

« **شکست** » خوردند و از « **حق** » محروم شدند،

هیچگاه از « شکستِ » خود « **عبرت** » نگرفتند،

لذا²² حتی برای « **برجام** » هم بر طبل شادی کوبیدند.

پس این قصهٔ پُر غصهٔ « شکستِ مردم »،

همچنان ادامه دارد،

تا زمانی که « شناختِ » آنها،

آنها را به « اضطرابِ » برساند.

سؤال:



اگر مردم در حال « بازی » و غفلت‌اند
پس « اعتراض‌ها » در جهان از چیست؟

« **إِعْتِرَاضٍ** » روزافزون « **مردمِ جهان** » به:

« نظام‌های سرمایه‌داری و لیبرالی و مدعی دموکراسی »

اولاً: بر مبنای « **فطرت** » انسانی و « **شناختی** » است که

از « **ظالمین و مفسدین** » به دست می‌آورند.

ثانیاً: به خاطر « **إِقْتِدَارٍ** » روزافزونی است که

« **جبههٔ مقاومت و منتظرین** » ظهور (در: ...) به دست می‌آورند.

برای «تعییل در ظهور» چه باید کرد؟

ادامہ رسالتِ
رسولان الہی:



« رسالتِ » تمامِ رسولانِ الہی:

قطعاً تمام رسولان الهی با « بینات و کتاب و میزان »،
دنبال این بودند که خودِ مردم « قسط » را اقامه کنند:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا **رُسُلَنَا** بِالْبَيِّنَاتِ

وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ

لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید/۲۵)

و « **قسط** » (متضادِ ظُلم) یعنی:

« زندگی کردن مطابق با: **ما أَنْزَلَ اللَّهُ** ».

و « رعایتِ **حُدُود** و احکام و **حقوقِ الهی** هر چیزی »،

که برای « تمام افراد بشر »، « **برابر** و یکسان » است

و با « قانونمند شدنِ مردم »، « **عدالت** » رُخ می‌دهد.

سؤال:



« رسالتِ » آخرین رسولِ الهی؟

هُوَ الَّذِي

أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

(صف/۹)(توبه/۳۳)

اوست که سفیرش را با هدایت و آیین درست مأمور کرد

تا آن را بر تمام دین ظاهر گرداند هر چند مشرکان إکراه داشته باشند.

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ

وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا (فتح/۲۸)

اوست که رسولش را برای هدایت با آیین درست مأمور کرد
تا آن را بر آن دین، آشکار کند و گواه بودن خدا کافیست.

« ظہور » یعنی چہ؟

اگر « **ظهور** » به معنی:

« دیده شدن حضرت مهدی » باشد،

مگر « سایر أئمه أطهار » صلوات الله عليهم،

« ظاهر » نبودند و « دیده » نمی شدند؟

پس «ظہور» یعنی چہ؟

« ظهور »

یعنی:

« آشکار و غالب شدنِ حق^۳ »

(که « رؤیت و اُمنیتِ امام », یکی از جلوه‌های آنست.)

سؤال
خیلی مهم:



اولين مرحلہ » ظہور «؟

اولین مرحله و نشانه « **ظهور** »،

« **حاکمیت** و **غلبهٔ عقل** بر **نفس** »

در اولین « **حامیان** » ظهورِ حقّ

و « **بیعت** » صادقانه و صبورانهٔ آنها

با « **سفیر منصوب الهی** » است.

عاملِ «ظهورِ» نظامِ اسلامی چه بود؟

در سال « یازدهم بعثت »،

در حالی که مسلمانانِ مکه در معرضِ آزار و اذیت سختی بودند،

« شش نفر » اهلِ « **یثرب** » و از قبیله خزرج،

در مکه با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دیدار کردند

و با اسلام آشنا شدند و « **اولین پیمان** » را با ایشان بستند

تا اینکه اسلام را به مردم خود ابلاغ کنند.

سال بعد (سال دوازدهم بعثت)، «دوازده نفر» از مردمِ «یثرب»،

در گردنه و «**عقبه**» میان «سرزمین منا و مکه»،

با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله «**بیعت**» کردند،

و آن حضرت «**مصعب بن عمیر**» را

با آنها به یثرب فرستاد تا «**قرآن**» را به مردم تعلیم دهد،

و «**نماز جماعت**» و «**اولین نماز جمعه**» را برای آنها اجرا کند.

در « نیمه شب سیزدهم ذیحجه سال سیزدهم بعثت »

این بار « ۷۳ مرد و ۲ زن » از قبیله خزرج،

در همان « **عقبه** » و بسیار محتاطانه و دور از چشم کفار مکه،

با نبی اکرم صلی الله علیه و آله بیعت و باب « **مهاجرت** » را باز کردند.

مسلمانان با این بیعت (عقبه دوم)،

اجازه یافتند به یثرب مهاجرت کنند و در پناه « **انصار** » باشند.

اللَّهُمَّ

إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ
تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تَذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ
وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ
وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةً الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

خدایا به سوی تو مشتاقیم برای یافتن دولت کریمه‌ای که اسلام و اهلش را با آن عزیز گردانی،
و نفاق و اهلش را با آن خوار سازی، و ما را در آن دولت از دعوت‌کنندگان به سوی طاعت،
و رهبران به سوی راهت قرار دهی و کرامت دنیا و آخرت را از برکت آن، روزیمان فرمایی.

مَیْیَا اَرْسَلْنَاكَ بِالْحَمْدِ الْاَعْلٰی

و اسی رسول، ما تو را نفرستادیم مگر آنکه رحمت برای اهل عالم باشی

سوره الفاتحه - آیه ۱-۲

عید مسیحت
مبارک باد

یا رسول الله



عَلَيْكَ
السَّلَامُ
رحمة الله



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم
موسى عليه السلام
عليه السلام
عليه السلام

The image is a highly decorative and artistic representation of Arabic calligraphy. The central focus is a large, bold, black script that reads "مكة المكرمة" (Makkah al-Mukarramah). This central text is surrounded by other calligraphic elements in various colors and styles, including red, green, and yellow. The background is a soft, pastel mix of pink, purple, and yellow, adorned with scattered red and yellow petals or leaves, creating a festive and celebratory atmosphere. The overall composition is dense and visually rich, typical of traditional Islamic art.



خدایا :

بر «**عقلانیت**» و «**ایمان**» ما بیفزای

و ما را از «**منتظرین ظهور حق**» قرار ده

و در ظهور آخرین حجت ما را سهیم قرار ده.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُوْلِكَ

